

خلخال

نویسنده :

عیسی بهمنرادی

کویل پایه یک دادگستری

اسکن شد

حالت نگارش

در اواسط سال ۱۳۴۳ تیمسار سر تیپ صفاری استاندار آذربایجان شرقی را در دفتر کارش ، در تبریز ملاقات کردم . تیمسار سر تیپ صفاری بتازگی به این سمت منصوب شده بود . پرونده های قطوری که در روی میز کارش دیده می شد حکایت می کرد . ایشان در کسب اطلاعات حوزه مأموریت خود - کوششی فراوان بکار می بندد . تا بتواند بر رفع احتیاجات این استان و رفع نقائص آن توفیق یابد .

نگارنده در خلخال علاقه ملکی دارم ؛ در یازده سال قبل ، هنگامیکه بازار سفته بازی گرم بود . خرید و فروش زمین استفاده های کلان داشت و ایجاد کارخانه از طریق اخذ وام منافع بیشماری را پیش بینی می نمود راه دیگری در طریق خدمت بکشور انتخاب کردم : املاک مخروبه ئی را در خلخال (فیروز آباد و قراء مجاور آن) با قیمت گران تر از معمول خریداری نمودم و با آنکه اشتغالات متعدده و کارهای مختلف شبانه روزی داشتم ؛ معینا احساس می کردم ، می توان با تلاش مداوم بصاحبان سرمایه قدرت کار و جلب منفعت مشروع و ایجاد کار و فعالیت صحیح را نشان داد .

اینک خوشوقتیم که زراعتی بوجود آورده‌ام که بتصدیق اهل فن .
 امروز ، در ردیف کشاورزیهای نمونه است و با احداث پانزده رشته قنات
 و حفر وازده حلقه چاه ، چندین سد كوچك (سیم و سنگ) زه کشی و
 تغییر مسیر و ساختمان ها به آب و ایجاد قریب ۱۲۰ هکتار باغ و غرس
 بیش از دو میلیون قلمه نوبریزی و امثال آن . این خدمت کشاورزی را که
 دنبال کرده‌ام بی گمان بیش از هر خلخال به خلخال و عمران و آبادی
 این خطه علاقه دارم بهمین مناسبت ، معزی‌الیه از بنده خواستند
 اطلاعاتی از خلخال و امور عمومی و احتیاجات آنجا جمع آوری نمایم از
 این فکر الهام گرفتم . بهتر است برای وصول مقصود ضمن شرح تاریخیچه‌ای
 بسوابق و اوضاع عمومی خلخال و احتیاجات این منطقه پردازم . باشد
 که توفیق رفیق گردد . تا مورد استفاده تیمسار معظم و سایر علاقمندان
 بشود .

عیسی نبرادی

خلخال از نظر تاریخی

در سال ۱۳۳۹ آقای محمد محقق لیسانسیه ادبیات از دانشگاه تهران مختصری از تاریخ و جغرافیای خلیخال جمع آوری نموده و بطبع رسانیده در مقدمه کتاب بعنوان خلیخال در ازمنه قدیم اسلامی اطلاعاتی از کتب و رسائلی جمع کرده که بسیار ارزنده است و همان دیباچه را نیز نگارنده مقدمه قرار میدهم زیرا مشکل است منابعی جز آنچه نویسنده محقق زحمت استخراج آنرا بر خود تحمل کرده برای اینجانب که دور از کتاب و مطالعه است روی دهد و آنچه مشارالیه ذکر نموده نیز روا نخواهد بود بدون قید ماخذ مزبور که با تحمل زحمت جمع آوری شده بنام خود بنگارم لذا صفحاتی چند در باره قدمت تاریخی خلیخال عیناً نقل میشود و راجع بدانشمندان و شعراء و نویسندگان خلیخال در گذشته با تحقیقات و مطالعاتی که شده شعرا و نویسندگان در خلیخال بقدری زیاد و پرارزش بوده اند که در این باره کتابها میتوان نوشت چون قصد از نگارش فعلی اوضاع عمومی خلیخال است لذا از بحث در آن خودداری مینماید.

خلخال در ازمنه قدیم اسلامی

در کتاب جغرافیای «حدود العالم من المشرق والمغرب» که در سال ۳۷۲ هجری نوشته شده بخش شاهرود را بنام قصبه مرکزی آن یعنی شال نام برده و این قصبه را در همان کتاب جزء شهرهای بامنبر نوشته و چنانچه مینویسد در

این شهر هرگاه از اهالی کسی نبیند بخورد و یا دشنام بکسی دهد هشتاد چوب باید براو بزنند.

در قرنهای دوم و سوم بطوریکه معلوم است و در کتب جغرافیائی آن زمان مورخین می نویسند خلخال از شهرهای کوچک و از توابع آذربایجان شرقی بوده و محصول عمده آن گندم و جو بوده است و پلاس و گلیم و لباس پشمی و کرکی در آنجا می یافتند.

در معجم البلدان که در اوایل قرن ششم هجری نوشته شده می نویسد «خلخال شهری است در مشرق آذربایجان نزدیک به گیلان و مزارع و آبادی آن بیشتر در وسط کوههای بلند قرار دارد و از آنجا تا شهر قزوین هفت روز راه تا اردبیل دو روز راه است و در این ولایت قلاعی است که مردمان هنگام حمله مغول بآنجا عزیمت نموده اند. (۱)» در نزت القلوب حمداله مستوفی که در اوایل قرن هفتم هجری نوشته شده می نویسد خلخال (۲) شهر وسط بوده و اکنون دیهی است که بیش از صد موضع و بچهار ناحیه تقسیم میشود مانند خاند بیل - سنجید - انجیل آباد - هسجین - در سابق شهر فیروز آباد (۳) که بر سر گریوه پردلیز بوده حاکم نشین آن دیار بوده است و حکامش را آقا جریان میگفتند و بعد از خرابی فیروز آباد قریه خلخال حاکم نشین شد و اکنون آن نیز خراب شده است. در آن ولایت به حدود دیه کیوی دره ایست آفتاب روی و در آن دره چشمه ای است که آبش تاستان یخ می بندد و بر طرف قماة که قزاقان آنرا نساخوانند چشمه دیگری است که آبش

۱ - در این کتاب راجع به فیروز آباد می نگارد (فیروز آباد - قلعه حصینه باذربایجان مشرفه علی مدینه الخلال) از این تذکر معلوم می شود که در فیروز آباد قدمت تاریخی دارد که فعلاً آثاری از آن نیست

۲ - مقصود از خلخال دهکده بنه خلخال است زیرا هر آباد مرکز فعلی خلخال شهری است جدیداً احداث و سابقه چندانی ندارد .

۳ - فیروز آباد همین محلی است که نگارنده افتخار عمران آنرا پیدا کرده است ظاهراً محل فعلی که باسم فیروز آباد معروف است سابقاً بنام قاباق (یعنی جلو) بوده و در واقع جلودار فیروز آباد بوده است و آثار فیروز آباد هنوز در مجاورت این دهکده و در گردنه نمودار است و آثار قدمت آن پیدا است و در انتهای دربندی که از فیروز آباد شروع و به قزل اوزن ختم میشود و معروف به دربندمشکور یا خلیفه چائی است (دربند در اصطلاح محلی به محل عبور آب در دره عمیق و محصور رامیگویند) آثار پل مخروبه ای نیز بر روی رود قزل اوزن نمودار است که به پل پردلیز مشهور است و ظاهراً درازمنه قدیم این پل شاه راه بین خلخال و کاغذکنان و زنجان بوده است .

بقدری گرم است که تخم مرغ می‌پزد بر يك فرسنگی خلخال کوهی است همچون دیوار برآمده کما بیش دوست گز بلندی اواست و بر فرازش بشکل مخروطه زهاب است لایزال قطرات از او میریزد چنانکه دواسیا گردان آب از آنجا حاصل میشود و بنیاد زرع خلخال بر این آب است (۱) و در آن حدود علفزار نیکو است بدین سبب ماست آنجا آن چنان می‌بندد که مانند پنیر بکارد می‌شاید برید و شکارگاه فراوان و پر شکار دارد و شکارش سخت فر به میباشد و حقوق دیوانیش سی هزار دینار است و باز در کتاب نزهت القلوب حمداله مستوفی از بخش شاهرود خلخال اسم برده مینویسد:

«شاهرود ولایتی است از خلخال متصل بطوالش کما بیش سی پاره ده است و از معظماتش شال و کلور و خمس و درو و گیلوان می‌باشد هوایش معتدل است بگرمی مایل حاصلش غله نیکو باشد و اندکی میوه دارد حقوق دیوانیش ده هزار دینار بروی دفتر» و باز همان کتاب حمداله مستوفی از بخش کاغذکنان خلخال اسم برده مینویسد «کاغذکنان شهر وسط بوده است امیر میسور زنجان که جد مادری شروین بوده است ساخته بود و خوینج نام کرده چون در آنجا کاغذ خوب میکردند کاغذکنان مشهور است اکنون خراب است و مقدارده وسط مانده هوایش سرد است و آبش از چشمه‌هایی که از آن کوها بر می‌خیزد بسفید رود می‌ریزد حاصلش غیر از پنبه نبوده مواضعی که در اول از توابع آنجا بوده قریب سی و پنج موضع است که در قنتر مغول خراب شده و اکنون چون مغول نشین است و ایشان زراعت می‌کنند آنرا مغولیه می‌خوانند ولایت هرذقان و دزآباد علیا هم از توابع آنجا است و قریب هفتاد موضع بوده و در این ولایت پنبه و میوه نیز میباشد حقوق دیوانی کاغذکنان و این ولایت پنج هزار دینار است، (۲)

۱ - کوه مزبور و مخروطه ذکر شده اینک نیز آثاری دارد که معروف بکوه ازناو میباشد

(۲) با توجه باینکه برای خلخال ۳۰ هزار دینار و برای شاهرود هم ده هزار دینار حقوق دیوانی معین شده بنا بر این مجموع حقوق دیوانی خلخال بالغ بر - چهل و پنج هزار دینار بوده با تطبیق به اردبیل که ۸۵ هزار دینار و تبریز صد و کسری در کتاب مزبور تعیین، و ذکر شده اهمیت خلخال را در آن موقع می‌رساند این اهمیت بواسطه موقعیت جغرافیائی خلخال بوده که چون بین اردبیل و گیلان و طوالش و میانه و زنجان واقع بوده است و آذربایجان را به گیلان متصل مینموده و بعلاوه بیلاق گیلان و طوالش بوده و بین زنجان و اردبیل هم از همین طریق طی میشده و خلاصه راه کاروان روعومومی بوده بهمین جهت آبادیهای عظیم بین راه ایجاد شده و جمعیت

آقشهر - از زنجان بر هفت فرسنگی آنجا است حقوق دیوانیش صد و سی و پنج هزار دینار است دولت شاه سمرقندی در تذکره خود درباره شاعر و سخنور مشهور قرن ششم یعنی اثیرالدین آخسیکتی که از سخنوران بزرگه فرغانه ماوراءالنهر بوده مینویسد (حاکم خلخال و ماسوله او را بر خود خوانده و در آخر عمر در آن دیار بسر میبرد و در خلخال مرحوم شده سال (۵۷۷) اثیرالدین هم شهر خلخال و حاکم آن محل را بسیار دوست میداشت مخصوصاً در سفری که به زم خلخال از عراق باذربایجان میرفته شش ماه در زنگان مانده و در قصیده ای که در مدح تورانشاه وزیر شعر شناس و عالم دوست دارد میگوید:

عزم خلخال مرا چون سوی زنگان افکند

در تمنای قدوم تو بماندم ششماه

و بر طبق آثار یکده دردست است اثیرالدین قبل از آنکه به خلخال رفته و عزلت گزیند چند بار به خلخال مسافرت کرده بود از قرار یکده خود او در ضمن آثارش میگوید:

«در خلخال مردمی دانشمند و اهل علم سکونت دارند که اثیر مجذوب آنان شده و بهمین علت هم به خلخال رفته و در آنجا اقامت افکند» است

زان به خلخال گرائید ضهیرم که دراو

نو عروسان علو مند بغایت دلخواه
ویکبار هم قزل ارسلان قصد تصرف خلخال را داشته اثیر ضمن قصیده ای
اورا از تصرف خلخال با بیان شیوا منصرف میسازد و این شعر از آن قصیده است
چنان پاک دردانه ای را چه حاجت

به خلخال از زیور آفرینش

چنان دان که بیرون شد آن بوم بی بر

ز اقطار بوم و بر آفرینش

در کتاب نگارستان دارا مینویسد (خلخال که از توابع آذربایجان است مشتمل است بر قرا و مزارع و از کثرت جبال شامخه بر غیر اهل آن دیار حرکت

کافی داشته و وضع مردم خوب و مرفه بوده است که اگر در حال حاضر هم این راه ایجاد شود وضع اسف آور فعلی به بهبودی خواهد گرائید و عبور بین شهرهای ذکر شده و استانهای آذربایجان و گیلان از طریق خلخال صورت خواهد گرفت .

از آنجا دشوار است و سخنور دانشمند شیخ احمد فنائی از اهل آنجا است که بعد از حج بیت‌الہ در قزوین مشغول تدریس و افاده است دوبیت از اشعار آنرا ذیلاً ذکر میکنند)

افتاده بهازلف سمن سای تو از چیست

دیوانه منم سلسله درپای تو از چیست

کار مشکل می شود بر بی زبانان چمن

گر تو ای گل گوش بر فریاد بلبل میکنی

در مرصداطلاع مینویسد «خلخال شهر است در آذربایجان پیوسته بکوه‌های

بسیار بلند و اکثر آقراء و مزارع آن در کوه‌های بلند است و ما بین خلخال و قزوین هفت روز و بار دبیل دور و راه است در این ولایت قلاع و حصارهای محکمی میباشد و باز در همان کتاب از فیروز آباد مرکز قدیم خلخال اسم برده مینویسد «فیروز آباد قلعه ایست در خلخال آذربایجان و در اطراف آن خانقاه صوفیه زیاد است» و همچنین از خونج مرکز قدیم کاغذکنان اسم برده می نویسد خونج شهر است از توابع آذربایجان بین مراغه و زنجان از راه ری و آخرین ولایت آذربایجان است فعلاً بنام کاغذکنان میباشد .

در کتاب بستان السیاحه و کتاب ریاض السیاحه مینویسد «خلخال جائی

نیک و مکانی بدل نزدیک و در قدیم الزمان یکی از ملوک شهری بر سر کوهی بنا نموده و آن شهر را فیروز آباد نام برده ولی مجموع آن ولایت را خلخال میگویند تمامی آن قراء در میان کوهستان واقع هوایش سرد و آبش گوارا از عهد سلاطین ترکمانیه تا حال حکومت آنجا در دست یک سلسله است مردم آنجا همگی در اطاعت آنها میباشد مردمانش از متاع حسن برخوردار عموماً مردم آن دیار شیعه اثنی عشری و خاکش مهمان نواز است و مردمانش بغایت شجاع و دلیرند و در تیراندازی بی نظیر»

خلخال از نظر سرشماری

در سرشماری عمومی (۱۳۳۵) کل جمعیت خلخال ۱۰۰۰۲۲ نفر آمارگیری شده است (۱) که از این عده ۵۰۱۴۲ نفر مرد و ۴۹۸۸۰ نفر زن بوده اند و فقط جمعیت شهر هر و آباد (مرکز خلخال) ۵۴۲۲ نفر بوده و ۳۵۵ دهکده که جمعیت هر کدام کمتر از پنجاه هزار نفر داشته اند و جمعیت نسبی خلخال در هر کیلومتر ۲۱ نفر بوده است .

در این دهات ۲۳۳ ده دارای شورای ده و ۴۳ ده دارای مدرسه دولتی و یاملی (۲) و فقط ۳ دهه یا یک درصد از مجموع دهات دارای درمانگاه یا موسسات بهداشتی دیگر بودند ۲۷۸ ده مسجد داشتند ۲۰ ده دارای گرمابه عمومی بودند در ۸۵ ده یک یا چند رادیو وجود داشت

خلخال از نظر جغرافیائی

نقل از فرهنگ جغرافیائی سرتیپ رزم آرا :

خلخال - یکی از شهرستانهای هشتمگانه آذربایجان خاوری استان سوم کشور بوده و حدود و مشخصات آن بشرح زیر است . حدود از طرف شمال شهرستان اردبیل و از جنوب به شهرستان زنجان و از خاور بکوههای طالش و از باختر به شهرهای سراب و میانه محدود میباشد .

آب و هوا - هوا در قسمت خاوری دامنه کوههای طالش سردسیر و قسمت شمال و جنوب و باختر معتدل فقط کنار رودخانه قزل اوزن گرمسیر میباشد .

ارتفاعات - رشته جبال طالش که در قسمت خاوری جبال بزگوش (۳) در باختر و قراول در جنوب شهرستان واقع . جبال طالش که

۱ - ظاهرأ موقع سرشماری وقتی بوده که معمولاً اهالی خلخال به گیلان و تهران برای کار مهاجرت می کنند و سپس اوائل سال مراجعت می نمایند والا مسلماً جمعیت خلخال بیش از این عده می باشد

۲ - تغییراتی در قسمت فرهنگ در این چندسال پیدا شده که در مورد خود آمار صحیح آن نگاشته میشود و سایر قسمتها تغییر کلی پیدا نکرده جز وجود رادیو که در دهات افزایش قابل توجهی پیدا کرده است .

۳ - جبال بزگوش در خاک میانه (گرم رود) واقع گردیده و در قسمت باختر خلخال کوههای میدان داغی و باجلارداغی قرار دارد و قسمت باختری بخش کاغذکنان هم به قافلانکوه ختم میشود و نمیتوان حد خلخال را به جبال بزگوش منتهی دانست زیرا جبال مزبور بین سراب و میانه واقع گردیده است .

از جنوب بطرف شمال امتداد یافته و مرتفع ترین قله ارتفاعات طالش عبارت از قله ناووالماس میباشد و از روی قله مذکور قسمت نواحی گیلان تا بحر خزر و همچنین نواحی شهرستانهای اردبیل و هروآباد دیده میشود و سفیدکوه معروف به آق داغ واقع ما بین دهستان خاناندبیل و شاهرود که از روی قله آن تمام منطقه شهرستان هروآباد دیده میشود (۱) بواسطه وجود این کوههای حصار مانند دارای راههای صعب العبور و مهم ترین گردنه آن گردنه ناو در مسیر راه قدیمی هروآباد به گیلان واقع و از داخل جنگل به جاده شوسه اسفالتی درشت با ستار متصل می گردد و گردنه های یلوجه و یله قار شو که سر راه جاده میانه به هروآباد واقع و به علت خرابی راه و کوهستانی بودن در فصل زمستان شش ماه راه بسته شده و با وسائل موتوری عبور و مرور نمیشود و اهالی غالباً با اسب و قاطر برای دادوستد از راه گیلان رفت و آمد مینمایند و این راه در سال ۱۳۲۳ بطول ۷۱ کیلومتر از هروآباد بسمت آسالم گیلان نقشه برداری شده است .

رودخانه - رودخانه قزل اوزن که در قسمت خاوری شهرستان میانه رو بشمال (۲) در جریان بوده و پس از مشروب نمودن دهستانهای کاغذکنان و سنجیدو خورش رستم مسیر رودخانه مزبور رو بجنوب خاوری منحرف و بطرف شهرستان زنجان و رشت سرازیر و به دریای خزر میریزد و آب این رودخانه در فصل بهار رو بتراید بطوریکه نمیتوان با اسب و پیاده عبور نمود و اهالی از بعضی گذارها بوسیله (بلم) عبور مینمایند .

۱ - مرتفع ترین قله از کوه های خلخال قله آق داغ است که ارتفاع آن از سطح دریا ۳۰۰۳ متر می باشد و کوه پر منفعتی است که در دامنه آن دهات بی شماری واقع شده است

۲ - رودخانه قزل اوزن همان سفیدرود است که از ارتفاعات کردستان سرچشمه میگردد این رودخانه در ارتفاعات قافلان کوه پس از عبور از پل دختر رو به جنوب شرقی جریان یافته بعد از عبور از دره قافلان کوه فقط در سه چهار فرسخ از بستر خود در جلگه و فقط دوسه ده از دهات بخش کاغذکنان خلخال را مشروب می نماید بعد از اراضی دهات اوستور و کوبلان وارد قلب شهرستان خلخال شده و از حدود فاصله بخش کاغذکنان و بخش خورش رستم و مختصری در حدود سنجیدو اول و کمی از حدود شاهرود در آخر کلیه دهات سواحل بخشهای کاغذکنان و خورش رستم را بدون افاده سقابه طی می نماید و بجهت اینکه در داخله خلخال بستر طرفین آن دره عمیق و ارتفاعات سنگی میباشد علیهذا دهات ساحلی خلخال (از باغات و مزارع) را مشروب نمی نماید. و بدون استفاده از دهات خلخال گذشته در حد جنوب شرقی بخش شاهرود وارد اراضی طارم علیا می گردد به مسیر خود رو به سد سفیدرود ادامه میدهد.

رودخانه شاهرود که از شمال بجنوب بین دهستانهای (۱) شاهرود و خورش رستم در جریان است چندان رودخانه مهمی نبوده و سرچشمه آن از کوههای طالش شروع و پس از طی ۴۵ کیلومتر مسافت برودخانه قزل اوزن منتهی میگردد .

رودخانه کیوی (۲) سرچشمه هروآباد رودخانه سنگ آباد که هر دو در بخش سنجید واقع و از ارتفاعات شمالی بخش رو بجنوب سرچشمه گرفته و پس از مشروب نمودن آبادیها در نزدیکی پل فیروز آباد با هم متلاقی و پس از شانزده کیلومتر مسافت برودخانه قزل اوزن می ریزد در طول و طرفین رودهای مذکور در بالا کشت برنج و پنبه بعمل می آید

سازمان اداری شهرستان خلخال (هروآباد)

سازمان اداری شهرستان خلخال (هروآباد) از چهار بخش زیر تشکیل شده است

بخش مرکزی ۱ دهستان ۴۰ آبادی- ۱۶۹۶۲ نفر جمعیت

بخش شاهرود ۲ دهستان ۸۸ آبادی- ۳۴۰۹۱ نفر جمعیت

بخش کاغذکنان ۱ دهستان ۱۰۷ آبادی- ۲۴۱۲۸ نفر جمعیت

بخش سنجید ۲ دهستان ۱۰۵ آبادی- ۳۰۱۵۰ نفر جمعیت

بنابر آمار فوق شهرستان خلخال از شش دهستان و ۳۴۰ آبادی تشکیل

شده و جمعیت آن با اضافه سکنه شهر ۱۱۰۷۰۴ (۳) نفر است مرکز شهرستان شهر

کوچک هروآباد و مراکز بخش درجای خود شرح داده شده است .

۱ - رودخانه شاهرود وسط بخش شاهرود از شمال بجنوب جریان دارد
۲ - رودخانه کیوی در بخش خاوند بیل از ده مجره و کوه ازناو سرچشمه گرفته در فیروز آباد با چند رود دیگر مخلوط و داخل در بند مشکور شده و به قزل اوزن ملحق می شود.

۳ - در سرشماری عمومی سال ۱۳۳۵ میزان دهکده ها ۳۵۵ دهکده برقم آمده و در تعداد جمعیت هر یک از بخش ها نیز باعد و برقم صحیح ذکر و تفاوت فاحشی با تعریف فرهنگ جغرافیائی رزم آرا دارد که خلاصه مجموع جمعیت خلخال ۱۰۰۰۲۲ نفر بحساب آمده است. و تفاوت جمعیت مسلمان مربوط به فصل سرشماری بوده چون در قسمت مهم از سال خلخال بطور موقت به گیلان و آذربایجان میرود و گار می کند ولی مسکون خلخال است.

منطقه هر و آباد با استثناء راه شوسه میانه به هر و آباد فاقد راه شوسه میباشد و ساختمان این راه نیز بطوریکه لازم است تکمیل نگردیده توضیح اینکه خلخال در قدیم شهری بوده که فعلاً خراب فقط به مجموع شهرستان اطلاق میشود . هر و آباد - نام بخش مرکزی هر و آباد شامل یک دهستان خان اندبیل میباشد از طرف شمال و باختر به بخش سنجد و از جنوب به بخش شاهرود و خورش رستم و از خاور بکوههای طالش محدود میباشد این بخش از ۴۰ آبادی بزرگ و کوچک تشکیل جمعیت آن در حدود ۱۶۹۶۲ نفر است سایر مشخصات آن در دهستان خان اندبیل ذکر شده .

هر و آباد - شهر کوچک هر و آباد مرکز شهرستان خلخال در ۱۹۸ کیلو متری خاوری شهرستان تبریز و ۵۶ کیلومتری جنوب شهرستان اردبیل واقع و مختصات جغرافیائی آن بشرح زیر است طول ۴۸ درجه و ۳۱ دقیقه و ۰ ثانیه عرض ۳۷ درجه و ۳۸ دقیقه و ۵۰ ثانیه اختلاف ساعت با تهران ۱۱ دقیقه ۲۸ ثانیه ساعت ۱۲ هر و آباد ساعت ۱۱ و ۱۳ و ۱۱ دقیقه و ۲۸ ثانیه تهران است . شهر هر و آباد چندین شهر قدیمی نبوده و بطور تحقیق تا سید سال قبل این آبادی یک دهی بوده که تحت مالکیت خوانین سعادلو بوده در دوره فتحعلی شاه قاجار ساکنین هر و آباد (خلخال) خود را از مالکیت و فرمانبرداری خوانین سعادلو خارج کرده و از آن تاریخ حکومت نشین و مرکزیت پیدا کرده و تا سه سال قبل (۱) نیز مرکز بخش و جزو شهرستان اردبیل بوده تا برابری تصویب نامه هیئت وزیران شهرستان مستقل منظور و شامل کلیه شعبات دوائر کشوری و پادگان نظامی - نمایندگی بانک ملی میباشد . در تحولات بیست ساله اخیر برای آبادی این شهرستان اقدامات مفیدی از قبیل احداث خیابان و بناهای دولتی غیر از ساختمان فرمانداری بعمل نیامده فقط در سه سال قبل از محل عطیه ملوکانه (۲) یک بیمارستان ۳۰ تختخوابی و یک دبستان نو بنیاد بنا گردیده است محله های قدیمی شهر بنام محله بالا - محله پائین معروف به بوشته کوچه - محله قاضی لر و دارای دو میدان بنام میدان بزرگ که در قسمت خاوری آن مسجد جامع واقع و میدان بالا که در انتهای بازار قرار گرفته دکانها نیز از روی اصول صحیحی ساخته نشده و کوچه مستقیمی در این شهر وجود ندارد و قسمت

-
- ۱ - بدیهی است مقصود از سه سال قبل (سه سال قبل از تالیف میباشد) و در سال ۱۳۲۲ تفکیک و شهرستان مستقل شده است .
 - ۲ - توسط مرحوم احمد دهقان که در دوره پانزدهم و شانزدهم بنماینده انتخاب گردیده بود مبلغ یک میلیون ریال اعطا شده است

باختری و جنوبی شهر دارای باغات میوه و قلمستان بوده و رودخانه کوچکی بنام رودخانه هروآباد از وسط شهر از جنوب خاوری رو بشمال باختر جریان دارد و پل چوبی نیز روی این رودخانه وجود دارد . (۱)

سکنه شهر ۶۳۷۳ نفر (۲) زبانشان ترکی و مذهبشان اسلام (شیعه) میباشد آب شهر از سر رشته چشمه و چاه و در فصل بهار از رودخانه هروآباد تامین میگردد در این شهر یک دبیرستان (۳) نه کلاس (پسران) و سه دبستان ۶ کلاس (دو پسران یک دختران) و یک دبستان سه کلاس پسرانه و یک بیمارستان ۳۰ تختخوابی و در حدود ۴۰۰ باب مغازه و دکان مختلف پیمه وری وجود دارد صنایع دستی مردان و زنان شال و خورجین و کرباس بافی میباشد .

منقول از فرهنگ جغرافیائی سرتیب رزم آراء

خلخال از نظر کشاورزی

بواسطه موقعیت طبیعی خلخال استعداد تهیه انواع محصولات کرم سیری و سردسیری را دارا بوده و شاید وجه تسمیه خلخال بهمین مناسبت باشد زیرا هر نقطه آن خالی است و بزبان بومی هم خلخال بالفظ خال خال بیان میشود و بعلاوه بقول یکی از مطلعین با دخلخال آب است زیرا در منطقه ای واقع شده که از طوالتش و کناره دریای خزر فاصله زیاد ندارد و در نتیجه رر هوای آن رطوبتی است بهمین مناسبت بهترین محصولات را میتوان تهیه نمود که متأسفانه جز مقداری غله و خیلی کم میوه محصول دیگری ندارد.

در خلخال قریب یکصد هزار هکتار زمین مزروعی قابل کشت وجود دارد و با اینکه در دامنه کوه های البرز بین گیلان و خلخال و در بخش های خاندبیل و شاهرود و سنجد و همچنین کوه آغ داغ در محال خورش رستم و کوه های باجلار

۱ - در سال جاری خیابان شرقی غربی که امتداد جاده کیوی - هروآباد می باشد بمعرض ۲۴ متر احداث گردیده که در امتداد آن به جاده رشت منتهی خواهد گردید و از این خیابان راه مستقیمی تا خوجین وجود پیدا می کند و سپس به بخش شاهرود منتهی می گردد .

۲ - سکنه شهر برحسب سرشماری سال ۱۳۳۵ ۵۴۲۲ نفر تعیین گردیده است .

۳ - آمار فرهنگی در قسمت مربوطه با ارقام صحیح آن در سالهای ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ ذکر خواهد شد ،

درسنجید پر از آب‌های زیر زمینی است و ممکن است با تاسیس قنوات متعدد و نصب تلمبه‌های موتورری قسمت مهمی از اراضی دیم را به آبی میل ساخت و چاه‌های سطحی و قنوات در کنار رودخانه‌ها اثر قابل توجهی بآرمیده‌ها از جمله نگارنده عمل کرده است و زه‌کشی اراضی کنار رودخانه‌ها علاوه از آنکه آبی در سطح پائین تر بدست میدهد اراضی را قابل ولایق کشت مینماید مع الوصف صدی نود اراضی بطور دیم کاشته میشود و استفاده کامله از این استعدادها برده نمیشود و علت آنرا میتوان اولاً فقر عمومی و ثانیاً استعداد بیحد اراضی که بدون آب محصول میدهد که زارعین به آن قناعت میکنند و ثالثاً چون قسمتی از زارعین خلخال به گیلان برای کار میروند ولی محل مسکن آنان و خانواده آنان در خلخال است بیشتر زراعت را با اصطلاح برای نان خانه در نظر میگیرند که آب یاری و قبول زحمت و توجه بیشتر آنان را از مقصود که کارگری در گیلان است باز میدارد. و بالاخره نبودن بازار محصول صیفی را نباید از نظر دور داشت که اگر کارخانه قندی بود و احتیاج به تهیه چغندر قند میبود مسلماً از آب‌های بدون اشکال آن استفاده مطلوبه می نمودند.

از مطالب قابل ذکر در خلخال گندم بهاره است که بنام (یا زلوق) تا آخر اردیبهشت بطور دیم کاشته میشود و در مدت قلیلی برداشت میگردد و محصول قابل توجهی هم بدست میدهد در حالی که در مدت مزبور در خلخال فصل بارندگی نیست و این محصول فقط با رطوبتی که خلخال دارد و از باد و نسیمی بنام (مه) که اکثر اوقات مخصوصاً بعد از ظهر میوزد بارور شده و در موقع خود درو میشود و از حیث خوراک نیز مرغوب ترین گندم است.

«نتیجه»

هما نظوریکه در مقدمه این مبحث ذکر شد خلخال استعداد کشت همه رقم محصول از کرم سیری و سردسیری را دارد چنانچه در کرانه‌های رودخانه قزل اوزن و شعب ایجاد کننده آن در حال حاضر برنج کاری بطور مختصر میشود اما برنج کاری با اسلوب صحیح انجام نمی‌شود و بذران نیز مرغوب نیست و با اینکه در خلخال در نواحی سنجید و خورش رستم امکان کشت پنبه موجود است بطوریکه نگارنده خود در سگر آباد در سال جاری کشت پنبه نموده و نتیجه خوب بدست آورده است مع الوصف کشاورزان بعلت عدم آشنائی به بذرهای تازه از جمله (هندرویک) که در این گونه نواحی اثر رضایت بخشی دارد اقدام بکشت آن

نمینمایند و هیچ گونه مشوق و مروجی هم برای تشویق و ترویج پنبه کاری نیست و بر فرض وجود بواسطه عدم اعتمادی که در گذشته از رفتار مامورین پیدا شده اعتماد لازم وجود ندارد و در نتیجه شهرستانی قابل استعادمخرو به ای غیر قابل کشت و استفاده گردیده است .

« درخت کاری در خلخال »

خلخال مخصوصاً نقاط معتدل آن برای میوه هائی از قبیل سیب، گلابی، زردآلو و گردو بسیار مناسب است تنه درختان گردو را عده ای خریداری و بخارج از کشور صادر می کنند و ارزش آن بسیار زیاد است . سیب خلخال معروف است ، اخیراً نیز در قسمت قلمه کاری و قلمه تبریزی شوقی در زارعین پدیدار شده و هر سال بر تعداد آن افزوده میشود با کمال تأسف بواسطه عدم اطلاع از دفع آفت و آشنائی بر آن و عدم توجه به هرس درختان و طرز کاشت بهره کافی از زحمت خود نمیببرند و بنحوقدیم و با استفاده مختصر ساز گارند .

خاک خلخال برای چغندر قند بسیار مناسب است و قند آن ۱۹ درصد بوده است که کم نظیر است . بقولات از قبیل نخود و عدس و صیفی آن از هندوانه و خربزه بسیار خوراکی و خوب است و پیاز و سایر محصولات نیز خوب پرورش می یابد با زهم با کمال تأسف وجود آفت مانع بهره برداری کافی است .

هوای خلخال

همانطوریکه در قسمت کشاورزی در خلخال گفته شد خلخال از حیث موقعیت مجوه و عده ای از دهات معتدل و سردسیری است و هر قسم محصول (جز محصولات نقاط گرم سیری مانند خوزستان و بلوچستان) بدست می آید . زیرا وضع جوی آن در کمتر جائی پیدامی شود هم چنین به گرمی کرانه بحر خزر نیست و میتوان گفت که به هوای نقاطی که عنوان گرم سیری داده می شود در واقع معتدله است اما در خلخال بادی است بنام بادمه و از آن مهمتر سرمائی است بنام سرمای دری جا که هر وقت بیاید در گرم ترین نقاط آن احساس سرما می شود معروف است که یکی از حکام سابق شهرستان های جنوبی چون خلخال بوده بهر يك از خلخال ها كمك فراوان می نموده در نتیجه عده ای خود را بیجا و برخلاف واقع خلخال می معرفی می کردند ولی اواز آنان سؤال می کرد که در خلخال چه موقع زمستان می شود

آنکه آشنا به هوای خلخال بوده می گفته هر وقت بادمه بیاید یا سرمای (دری جا) و آنکه خلخال نبوده جوابی غیر از این میداده و با این طریق افراد خلخال و غیر خلخال تمیز داده می شدند .

دام پروری خلخال

خلخال بواسطه مراتع متعدد و بیلاقات بیشمار و قشلاق برای دام پروری بسیار مناسب است و فعلاً هم شاید در حدود دویست هزار گوسفند و بز و بیست هزار گاو و گاو میش موجود باشد و در سال مقادیری روغن تهیه می شود ولی در نتیجه عدم مواظبت و عدم آشنائی و توجه دقیق و نبودن راه برای استفاده از امکانات فعلی و وجود امراض ساریه سالیانه تعداد زیادی از آن از بین می روند. بسا آنکه دام پروری در خلخال بدون خرج زیاد امکان دارد ممکن است منافع بیشماری برای مملکت و خود آنان داشته باشد با کمال تأسف از این استعداد طبیعی استفاده صحیح نمی گردد و دام داران آنجا غنی و مال دار نیستند .

خلخال از نظر معادن

خلخال مخصوصاً بخش کاغذ کنان و سنجید و خورش رستم دارای معادن بسیار و دست نخورده ای است که حتی در جستجوی آنهم قدمی بر نداشته نشده است . در زمان شاهنشاه فقید رضا شاه کبیر در بخش کاغذ کنان اقداماتی شده و معادنی از سرب و مس بدست آمده حتی گفته میشود در شال علی بیگلر معدن طلا هم دیده شده و مقدمات استخراج آن فراهم گردیده ولی فعلاً بلا استفاده مانده . مشهور است که در کمر بلوک خورش رستم هم معدن طلا وجود دارد در این ناحیه از مس و سرب و ذغال سنگ نیز گفتگو میشود در مجاورت فیروز آباد و در سنجید و سایر نقاط سنگ مرمر زیاد دیده شده در کنار قزل اوزن دهات معروف بمزرعه و کبلان معادن زیادی وجود دارد در آق بلاغ سنجید و سنگلی از محال خان اند بیل و در سنجید لر و آل هاشم معادن ذغال سنگ پیدا است در علاءالدین سنجید سنگ آهن دیده شده و نگارنده چندی قبل شرحی به مقصدی امر در اذربایجان شرقی نگاشته و اهمیت معادن را متذکر شده و حتی مساعدت شخصی را بدون در نظر داشتن منفعت از حیث وسائل راحتی ما مورین مربوطه و دادن محل سکونت و وسائل دامی و راهنما متذکر شده جواب این بوده است :

(فعلاً اقدامی میسر نیست ولی اگر شخصاً علاقمند باشید و یا بهزیینه خود بخوراید عملی بکنید قانوناً انجام آن با اخذ پروانه مانع ندارد) که چون نگارنده اهل این فن نیستم و با گرفتاری که دارم نمیخواهم برگرفتاری خود بیفزایم جز حسرت نتیجه ندیده ام و هر وقت هم بکوهساری رفته ام اثری از معادن ندیده ام به نگاه اکتفا کرده ام .

بعتیده نگارنده باز هم نبودن راه یکی از موجبات عقب ماندگی این منطقه و عدم استخراج معادن میباشد که باید گفت خلخال، بر روی گنج گرسنه میخوابد؟!

خلخال از نظر مذهبی

اکثر قریب باتفاق اهالی خلخال شیعه هستند بدون آنکه آن تعصب خرافاتی را داشته باشند اقلیت آن بسیار مختصر سنی هستند . مسلمانان طریقه سنی مردمانی زارع و بی آزار و صدیق و بی زحمت میباشد، در سر شماری عمومی سال ۱۳۳۵ اقلیت مذهب کلیمی هم دیده شده ولی نگارنده در خلخال کلیمی مشاهده نموده و با تحقیقی هم که در این مورد نموده ام جواب منفی بوده است .

خلخال از نظر اخلاق

شاید کمتر جایی در ایران پیدا شود که اهالی آن درستی و صحت عمل نسبی خلخال را داشته باشند .

در شهرستان خلخال و اکثر دهات و قصبات آن درهای خانه های مسکونی همیشه اوقات باز است و باغات بدون پرچین و دیوار بوده و شهر بانی هر و آباد مرکز خلخال شاید در سال با اندازه شماره انگشتان پرونده سرقت و کلاه برداری نداشته باشد نزاع های دسته جمعی در اینجا کم است جز چند دهکده که بداشتن این عنوان معروفند در سایر محل ها اساساً نزاع نیست و اگر هم باشد خیلی مختصر و بین خود آنان حل و فصل میشود .

در زمان پیشه وری که دهات بین زارعین تقسیم و بهره آن متعلق بآنان گردید اکثر زارعین بهره مالکانه را در مساجد و چاله ها پنهان کرده بعداً که مالکین آمدند تمام آن را تسلیم بدون قید و شرط نمودند و در جریانات اصلاحات

ارضی اخیر هم اقدامات بی رویه و قانون که در نقاط دیگر مشهود شد در خلخال بندرت اتفاق افتاد و اگر تحریک چند نفر غوغا طلب نمی بود شاید همان هم وجود پیدا نمی کرد در هر حال از حیث اخلاق خلخال نمونه است .

زبان خلخال

اهل خلخال بجز شاهرو و ترک زبان هستند و در شاهرو و دبزان تاتی و فارسی تکلم میشود ولی خلخال اصلاً چون آمیزش با گیلان و گیلانی داشته فارسی را بلد بوده و اگر در جواب عاجز به تکلم باشند مطلب را بخوبی درک میکنند .

درجه معلومات خلخال

خلخال ها ما نند طالقانی ها و اشتیانی ها اکثر با سواد هستند علمای طراز اول از آنجا برخاسته اند و اینک اکثر افراد بر جسته در آن سکونت دارند آنان نویسنده و دارای خط و انشاء خوب و بعلاوه استعداد تحصیل دارند در هر کجا دبستانی دائر شده مردم با اشتیاق از آن استقبال نموده و از افراد سپاه دانش بخوبی پذیرائی کرده و بهره کافی برده اند طرز تکلم آنان با ادب خاصی است میتوان گفت کمتر غلط در الفاظ و کلمات آنان دیده میشود و یک حس فرهنگ دوستی در فرد فرد آنان جلوه گری مینماید و فرهنگ جدید خلخال از سال ۱۳۲۶ قمری بنیان گذارده شده و دبستانی در آن سال بنام دبستان ناصری افتتاح گردیده که در سال ۱۳۰۳ دولتی شده است در حال حاضر در هر و آباد یک دبیرستان شش کلاسه و یک دبیرستان سه کلاسه دختران و سه دبستان پسران و در بخش سنجد ۱۷ مدرسه پسرانه در کیوی مرکز سنجد نیز دبیرستان سه کلاسه و دبستان دخترانه دارد .

بخش خاند بیل ۱۶ دبستان پسرانه و یک دبستان دخترانه در خوجین یک دبیرستان سه کلاسه پسران و در بخش خورش رستم ۱۳ دبستان پسرانه و یک دبیرستان سه کلاسه و یک دبستان دخترانه داشته و در بخش کاغذکنان هم ۱۶ دبستان پسرانه و در شاهرو و ۱۱ دبستان پسرانه دارد .

استفاده از مقررات و حقوق ملی

افراد خلخاللی به تناسب سایر افراد ایرانی بیشتر بحقوق خود آشنا هستند در آنجا اکثر در انتخابات مبارزات سخت صورت میگیرد و هر يك از زارعین و ساکنین آن حتی دهات كوچك به حقوق ملی خود آشنائی كامل دارند و در مواقع موضوعات مربوطه به امور ملی با خرج خود شرکت نموده و با وجود عدم راه اصلی و سختی آن باز هم بسختی و ناراحتی در امور مربوطه بحقوق مدنی و سیاسی کوتاهی نمینمایند .

کارگر خلخاللی

بجرت میتوان اظهار نمود که نظیر کارگران خلخاللی از حیث قدرت کار در ایران وجود ندارد صدی نود کارگران شیلات که باید دائماً در آب دریا با طور و ماهی سروکار داشته باشند خلخاللی هستند و در گیلان کارهای سخت که باید در شولات و لجن زار شخم برای برنج کاری زده شود بوسیله کارگران خلخاللی است .

میزان هوش خلخاللی

خلخاللی اصولاً با هوش است و کار را در مدت قلیلی آموخته بهتر از آموزگار عمل میکند بهمین جهت کارهای زیاد گیلان را خلخاللی ها انجام میدهند . کارگر و زارع خلخاللی در صورتیکه تحت سرپرستی قرار گیرد عمل خود را با ترتیب و طبق دستور انجام میدهد و از این حیث میتوان خلخاللی ها را یکی از افراد با هوش ایرانی که هوش را با ترتیب و تنظیم کار توانم ساخته اند شناخت .

علاقه به آب و خاک خلخال

افراد خلخاللی با اینکه اکثر به گیلان میروند و در آنجا مقیم میشوند و تا اندازه ای مرفه هستند مع الوصف علاقه مخصوصی به آب و خاک خود دارند و در هر حال رابطه خود را با خلخال ترك نمینمایند .

خلخالای غیورو وطن پرست

افراد خلخالای اکثر شجاع و امتحانات خود را در گذشته داده اند و در شهریور ۲۰ مردانه جنگیدند و در جنگ بین المللی اول هم از خود شجاعت و شهادت نشان داده اند.

اکثر خوانین آنجا با اخذ تفنگ اعطائی از شاهنشاه باین وسیله اظهار قدردانی از آنان شده و هنوز هم این اسلحه را بنام افتخار حمل میکنند و از اینکه در راه میهن خدمت نمایند مفتخرند و کمتر وقایعی که در سراب و محال دیگر مجاور خلخال در دو جنگ اخیر روی داده در خلخال بروز نموده است و با اینکه پیشه وری خود را از اهل خلخال بود مع الوصف نتوانست از هم ولایتی های خود طرفی ببرند و خوانین خلخال خدمت به مملکت و وطن را ترجیح دادند و در صف مجاهدین با آنان جنگیدند.

بدیهی است در هر دسته و طایفه استثناء وجود دارد ولی امور باید از جهت کلی مورد نظر قرار گیرد و مستثنیات دلیل نبوده و بحکم کلی خدشه وارد نمیسازد.

هنوز عادات قدیمه در خلخال حکمفرما است

بعضی خصوصیات که از قدیم جریان داشته هنوز در خلخال به چشم میخورد از جمله مراسم ازدواج جوان ها و دوشیزگان است که وقتی يك دیگر را پسند کردند هر دو با هم از دهکده فرار میکنند و تا اولیای آنان ترتیب ازدواج آنان را ندهند به دهکده بر نمیگردند و قابل توجه است که در مدت دوری از خانواده خلاف رویه و عفت از مرد نسبت بدوشیزه ای که با هم فرار کرده اند اعمال نمیگردد و هر دو پاک و منزّه بر گشته عروسی را راه می اندازند.

اما این عروسی به تفصیل نیست و فقط عاقدی عقد موافقت را منعقد ساخته و پیوند زناشویی می بندد ولی اگر غیر این ترتیب باشد عروسی با تشریفات صورت میگیرد که خود آن خالی از لطف نیست یعنی با اصطلاح محل در ضمن جشن و سرور شا باش میکنند و مبالغی دوستان و مهمانان هدیه مینمایند و این عمل در ختنه اطفال نیز صورت میگیرد و جشن ختنه سوران کم از عروسی نیست.

لباس خلخالی

زنان خلخالی در قسمت سنجید و شاهرود لباس الوان و بلند دارند و با این تفاوت که لباس زنان بخش سنجید بطوری است که چند دست لباس رویهم می پوشند و بدسته کولی یا گبرها بی شباهت نیستند و سر و گردن خود را می بندند و از باز بودن صورت ابااء ندارند درواقع يك توپ چیت از همه رنگ را برای لباس خود مصرف مینمایند ولی لباس زنان شاهرودی بیشتر شبیه لباس زنان روستائی گیلان است لباس زنان کرد نشین شبیه لباس کردها و در بخش های خاندن بیل و خورش رستم و کاغذکنان غالباً شلیته کوتاه و در زیر شلیته شلوار تنگ به پا کرده و یل یا جلیقه می پوشند رویهم رفته از الوان و رنگها لباس های زنانه دوخته میشود و از دور که دسته ای زن پیدا میشود جلوه مخصوص دارند .

اما لباس مردان خلخالی چون اکثر با گیلان سروکار دارند اغلب مانند گیلانی ها خود را ملیس ساخته و مانند آنان کت پوشیده و کپی و یا کلاه لبه دار بر سر می گذارند و بیشتر از حیث لباس به گیلانیها شباهت دارند تا به آذربایجانی .

کار زنان در خلخال

زن های دهات خلخال در تابستان بیشتر با پهن گاو و گوسفند سوخت زمستان خود را تهیه می بینند و آن را پس از خمیر کردن بصورت قوسی در زمین نیمه خشک کرده و سپس با آن اطاقك مجوفی درست میکنند که از برف و بوران در امان بوده و خوب خشک شود و کارهای دوشیدن شیر از گاو و گوسفند و آب آوردن از چشمه و رودخانه برای استفاده شخصی و دام و نان پزی و غیره از وظایف آنان میباشد .

زنان شاهرود يك قسم جاجیم خوب می بافند که بی نظیر است و هم چنین از پشم گوسفند پارچه ئی بنام شال می بافند که برای پالتو و عبا مناسب است در محل های دیگر نیز از این قبیل کارها زنان دارند ولی بمرغوبیت شاهرود نیست .

محصولات و مصنوعات خلخال

از مباحث بالا باین نتیجه میرسیم که مصنوعات خلخال جاجیم وشال پشمی است و از محصولات قابل توجه سبب آن است که اگر دقتی در دفع آفت آن بشود فوق العاده زیبا و مطلوب است و همچنین چوبهای گردو این منطقه برای صادرات فوق العاده مناسب و مرغوب است میوه و محصول دیگر قابل ندارد زیرا درخت کاری در خلخال سابقه زیاد نداشته و درخت های کهن جز گردو و سبب کمتر بچشم میخورد چنانچه ذکر شد در سالهای اخیر ضمن درخت کاری برای انواع کشت درخت تبریزی همت گماشته اند باید دانست که درخت چنار در خلخال ثمره خوبی نداشته و به تبریزی هم چنار میگویند .

استفاده از جنگل

شهرستان هروآباد و آبادیهای مجاور طوالش از جنگل استفاده میکنند و همان اعمالی که کشاورزان منطقه شمال انجام میدهند خلخال به نحو بهتر و با قدرت بیشتر انجام مینماید چنانچه اکثر ساکنین منطقه جنگل طوالش مشرف به خلخال از اهالی خلخال هستند و ساکنین اسالم که دارای جنگل انبوهی است بیشتر خلخال میباشند .

خلخال از جهت راه

عقبماندگی خلخال از جهت راه شوسه است ایجاد این راه شاید چهل سال باشد که مورد نظر اولیای امور است که استان گیلان را از طریق خلخال به آذربایجان متصل نمایند فواید این راه بر هیچ کس پوشیده نیست و هر وزیری و وکیل که آمده این وعده را داده متاسفانه تاحال انجام نیافته است . آقای دکتر اقبال وقتی نخست وزیر بود در کلبه استان های ایران به گردش پرداخت و در آذربایجان بواسطه نداشتن راه و نبودن فرودگاه مطمئن قصد داشت خلخال نیایدولی بر حسب تقاضای اهالی که اتفاقا وسیله نگارنده صورت گرفت با وزیرای خود به خلخال آمدند خلخال ها در این مورد ابتکاری به خرج دادند و آن این بود که باهم متحد شدند که از اولیای امور جز راه تقاضای

دیگری نمایند و در عرض راه ورود هم تمام شعارها را مربوط بر راه ساختند (اول راه - آخر راه - ماه راه میخواستیم خلخال و خلخال را از بن بست بی راهی و زندان خلاصی دهید و امثال آن).

از این قبیل شعارها زیاد دادند و از حق نمیشود گذشت معزی‌الیه در کابینه خود اقداماتی در این باب نمود و در بودجه مخارج مقدماتی را گنجانیده متأسفانه بعداً بمصرف دیگر رسید و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در اواسط سال ۱۳۴۱ که به تمام نقاط آذربایجان تشریف فرما شدند بواسطه نبودن راه به خلخال تشریف نیاوردند که نگارنده بنام یکی از ساکنین خلخال این واقعه را به نظم آورد.

شور بختی بین و بی سامانی اقبال ما
 شه به آذربایجان آید بجز خلخال ما
 بهتر آن باشد که سوزد این چنین بخت سیاه
 تا نماند در جهان شوریده‌ای امثال ما
 شه نیاید چون کهره بر شاه ایران بسته است
 بهترین پندی است بر دولت که ببندد حال ما
 شهریارا خستگان عشق ایرانیم و بس
 ای طبیب دردمندان پرسی از احوال ما
 راه ما شش ماه می‌بندد کنون از برف و گل
 بردباری بوده کار روز و ماه و سال ما
 نیست ما را بعد حق امید غیر از لطف شاه
 کیست جز او آگه از نیک و بد اعمال ما
 ما شکایت از کسان آریم سوی شهریار
 گر گله از شه بود کو گوش بر اقوال ما
 شه پرستی شیوه مردان خلخالی بود
 پا بفرق ما بنه قربانی ات اطفال ما
 چشم بهزادی بره باشد که ببندد شاه را
 چشم راهی سایه افکنده است بر امیال ما

تیمسار سرتیپ صفاری استاندار فعلی حکایت میکند که معزی‌الیه وقتی طفل بوده و بدبستان می‌رفته گفتگوی ایجاد راه گیلان خلخال بوده و آنرا

مسلم میدانسته اند و اینک باز نشسته شده و استاندار آذربایجان گردیده ولی این راه هنوز بسامان نرسیده.

راه های فعلی خلخال

راه های فعلی خلخال عبارت است از :

۱ - راه اردبیل به فیروزآباد که در ده سال اخیر از طرف سازمان برنامه ساخته شده و در حدود ۹۰ کیلومتر مسافت دارد.

این راه گرچه راه درجه دوم از جهت راه سازی با نظر مهندسین ایجاد و دارای گردنه و پیچ و خم نیست لیکن چون در استحکام و زیر سازی آن دقت کافی نشده و راه مزبور هم متصل به راه شوسه دیگری نیست که موجب باشد وسائل نقلیه با استحکام آن کمک کند متأسفانه در فصل زمستان غیر قابل عبور میگردد ،

۲ - راه میانه فیروزآباد و جاده قدیم فیروزآباد هر و آباد که در حدود ۱۳۰ کیلومتر است این راه در سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ به کمک اهالی و توجه مرحوم سر لشکر امیر طهماسبی فرمانده وقت ارتش آذربایجان ساخته شده و چون مهندسین با اطلاعی تصدی نکرده و با توجه با وضاع وقت دقت کافی نشده تقریباً یک راه فرعی است که فوق العاده خطرناک و دارای پیچها و گردنه های زیاد و در فصل زمستان و اوائل بهار مسدود میگردد در این راه از میانه به فیروزآباد قبل از شهریور ۱۳۲۰ اقدام با اصلاح آن گردیده و تا ۳۵ کیلومتر راه سازی و پل سازی شده و در فیروزآباد هم پلی احداث شده است و انجام آن مصادف با وقایع شهریور و تعطیل گردیده که اینک آن قسمت اصلاح شده هم کاملاً قابل استفاده نمیشد و در موقع زمستان گل و لای مانع عبور میگردد ولی تا یل قارشو ۴۵ کیلومتری میانه استفاده ناقصی میگردد لیکن از یل قارشو به بعد قسمتهائی برف گیر است که بکلی غیر قابل عبور میشود .

۳ - جاده جدیدی که اخیراً بین هر و آباد و پل کنجگاه از طریق کیوی در کنار رودخانه هر و آباد و کیوی تا آنجا و از آنجا در راهی به ۱۰ کیلومتری فیروزآباد بر راه اردبیل فیروزآباد متصل میشود گرچه با اصول راه سازی بنیان گردیده و شیب ملایمی دارد مع الوصف خالی از نقص نیست زیرا اطراف جاده کوه ها ریزش پیدا میکنند و راه اکثر مسدود است و قبلاً مسیر راه قرار بود به فیروزآباد متصل شود بر روی اغراض شخصی تغییر دادند که چون ارتباط با منافع شخصی نگارنده دارد در آن بحثی نمیکند .

اما این راه و همچنین راه فیروزآباد و اردبیل به بن بست رسیده و استفاده کامله از آن نمیشود درحالیکه خلخال در مسیر راه گیلان و آذربایجان است و اگر اتصال پیدا کند نه فقط این دو استان از آن بهره مند میشوند و فوائد اقتصادی بسیار دارد و در پیشرفت وضع اهالی موثر است بلکه موجب میشود که راه کناره و خراسان و مازندران نیز از این طریق با آذربایجان با قصر طرق متصل شود فعلا بین رشت و تبریز دور راه موجود است یکی از طریق بندر پهلوی و آستارا و اردبیل سراب و بستان آباد که قریب ۶۰ کیلومتر است که گرچه در قسمت طولش و بین آستارا و اردبیل از مزارع سبز و خرم و از جنگلهای انبوه مصفا گذر میشود و جلوه خاصی خصوصاً در فصل بهار و پائیز دارد ولی گردنه های حیران و صائین صعب العبور بوده و با اینکه هزینه گزافی در فصل زمستان برای عبور از این منطقه بعمل می آید مع الوصف مسدود میگردد چنانچه در زمستان سال ۱۳۴۲ تعداد زیادی افراد در گردنه حیران تلف شدند و تصادفات در آن بقدری است که قابل گمان نیست بعلاوه قسمتی از این راه در مرز ایران و شوروی است که فاصله آن فقط یک رودخانه است و دیگر راه از طریق قزوین و زنجان و میانه و بستان آباد است که این راه قریب ۱۵۰ کیلومتر از جاده ذکر شده دورتر ولی عبور آن قسمتی از جاده اسفالت و قسمتی هم در جاده عمومی است و خصوصاً که اخیراً در ایجاد جاده تا کستان بازرگان با جدیتی مشغول بوده و در آن صورت کلاً از راه اسفالت شده استفاده خواهد شد اما راهی که از طریق خلخال در نظر است و نقشه آنرا در سالهای مختلفه تهیه کرده و هزینه زیادی در این قسمت مصرف شده و اخیراً مهندسین مشاور اتکو نقشه قطعی آنرا تهیه و وزارت راه و سازمان برنامه تصویب کرده و مقرز است چنانچه میسر باشد در برنامه دوم و الا در برنامه سوم انجام گردد عبارت است از :

رشت - پسی خان - جمعه بازار - صومعه سرا - کسما - اریاتر - ارم سا باد - پونل - کنار سفارود - آرده - ناپاما پاس - مجره - خوجین - هروآباد - کیوی - سکر آباد - میکائیل آباد - بین بنه خلخال و فیروزآباد - خلیفه چائی - آرپا چای - قزل اوزن - مزعه - کوبلان - استور و اصلاح جاده فعلی استور میانه و متصل به جاده اسفالت تا کستان بازرگان خواهد شد . نظری اخیراً سازمان برنامه پیدا کرده که جاده فرعی کارخانه چوب خشک کنی اسلام را بطور موقت به هروآباد متصل نمایند که تا جاده اصلی ایجاد گردد فعلاً بهره برداری شود و این هم خود راهی است که کمک قابل توجهی به خلخال و خلخال خواهد نمود . مشکل دیگری که فعلاً برای اردبیل و مغان موجود است این است که راهی را که تا فیروزآباد با مخارج گزاف ایجاد کرده اند و از میانه تا استور

اقدام شده قریب ۵۰ کیلومتر باقی است و در اثر عدم ایجاد و تعمیر این مقدار راه اهالی مغان و مشکین شهر و اردبیل ناچار هستند با مسافتی خیلی زیاد تر خود را به مرکز شهر تهران برسانند و از راه های صعب العبور عبور کنند که در این زمینه در سال ۱۳۳۷ مدیر عامل شرکت سهامی شیار آذربایجان بریاست قسمت ارتباطات سازمان برنامه شرحی نوشته که نقل عین آن اهمیت راه ذکر شده را ثابت مینماید .

ریاست قسمت ارتباطات سازمان برنامه

یکی از طرق پیشرفت امور اقتصادی مغان وجود راه مستقیم تهران است که در زمستان متأسفانه مسدود شده و محصولاتیکه تا چند سال آتیه در مغان وجود خواهد آمد قابل آنست که توجهی برای مواصلاتی آن نموده و اقدامی شود که در بن بست قرار نگیرد .

جاده اردبیل بگیلان از طریق آستارا و گردنه حیران متأسفانه با مختصر بارندگی قابل عبور نیست و بعلاوه امکان عبور هر گونه وسیله نقلیه بخصوص کامیون در سر بلندی گردنه مزبور بطول چهل کیلومتر میسر نیست و جاده اردبیل به بستان آباد و میانه هم اکثر سال بواسطه وجود برف مسدود است و بعلاوه راه طولی است بهترین راه مواصلاتی از راه خلخال بگیلان مخصوصاً راه اردبیل بمیانه از طریق فیروزآباد خلخال است که تا فیروزآباد وسیله سازمان برنامه ساخته شده و قریب هفتاد کیلومتر آن باقیست که بقرار اطلاع این راه که قسمت مهمی ساخته شده و برف گیر نیست بیش از ۱۲۰ کیلومتر راه را به تهران نزدیک میسازد .

استدعا دارد که در سازمان راه مزبور مقرر دارند تسریع شود تا مقارن با اقداماتی که در مغان صورت میگیرد بتوان استفاده مطلوب را نمود. خواهشمند است از نتیجه اقدامات این شرکت را مستحضر فرمائید . -

مدیر عامل شرکت سهامی شیار آذربایجان

۳۱۹/ش

۳۷/۸/۲۱

رونوشت برای اطلاع شرکت سهامی شیار آذربایجان فرستاده میشود . -
مدیر عامل شرکت سهامی شیار آذربایجان

راههای فرعی دیگری در نظر است از محل کمکهای استانداری بشود از جمله هر و آباد به هشتجین که ممکن است در سال آتیه انجام گردد اما اگر اتمام

راه موقت جنگل که کارخانه چوب اسالم بطرف هروآباد ایجاد کرده بهروآباد
وصل شود که در بالا ذکر آن بعمل آمد تا اندازه ای از وضع سخت و بستان راه
در زمستان و محصور بودن اهالی جلوگیری خواهد کرد.
در خاتمه این مبحث نمی تواند از ذکر این مطلب خودداری کند که
وجود راه برای خلخال بقدری دارای اهمیت است که یگانه وسیله حیاتی بشمار
میرود و چون این آرزو در مخیله هر خلخال از هر پیش آمدی که واقع شود
ایجاد راه را بخود نوید میدهد چنانچه پس از انتصاب تیمسار صفاری به استانداری
آذربایجان امید زیادی پیدا شده و ابیاتی سروده شده که دلیل صدق این مدعی است:

قاصدی خواهم که پیش والی پر افتخار
عرضه دارد حال و روز مردمان این دیار
گوید او بر والی ما مقدمت باشد بخیر
کز ورودت جمله مردم گشته اند امیدوار
هر کجا والی بود شاهنشاه آنجا حاضر است
سایه شاهی و شه را سایه از پروردگار
درج عزت مینمائی چون نموداری ز عدل
مورد لطف شهنشاهی همین بس افتخار
با چنین شوکت شدی مبعوث آذربایجان
دیگران را کم بود این عزت و این اعتبار
انتظاری کز تو دارد مردم خلخال ما
تا بماند نام نیکت استوار و پایدار
کنار راه ما بسامانی رسانی عاقبت
کز گذشت وعده ها بیش از حد و بیش از شمار
راه ما پیوسته شش ماه بسته باشد در عبور
شش ماه دیگر نهان در پرده گرد و غبار !
حیف باشد مردمان شه پرست و نیک پی
ره نیابد تا رود آزاد بر قرب و جوار
ره اگر پیدا کند گیلان به آذربایجان
اقتصاد این دو استان می نماید بر قرار
میتوانی گفت مطلب در حضور پادشاه
گر چه پیش شه بود مطلب همیشه آشکار

میتوانی یاد شه اندازی از اوضاع ما
 گرچه ما در خاطریم و همچو ما صدها هزار
 میتوانی گفت بر دولت تمام مـ اجرا
 چونکه گفتارت بود بر لوح دولت استوار
 از وکیل ما بخواهی تا دهد توضیح و بسط
 نادی ما بوده این شهزاده والاتبـار (۱)
 قرعه این فال بی شک نام صفاری زدند
 کین عمل آزاد سازد مردمی را از حصار
 این دعای ما بود توفیق گردد یار تو

چشم بر راه است $\frac{\text{خلخال}}{\text{بهرادی}}$ که گردد بخت یار

۲ مرداد ۴۳ فیروز آباد خلخال

احتیاجات خلخال

خلخال با استعداد کافی و آب زیاد ورود خانه های مهم و کارگران و
 زارعین لایق و بواسطه نداشتن محصول قابل خرید در حال عقب ماندگی است و
 نگارنده که در فیروز آباد خلخال مقادیر قابل توجه زمین مـکا نیزه داشته و پانزده
 رشته قنات و ۱۲ حلقه چاه و سدهای زیادی سیمی و سنگی ایجاد نموده در همین
 گرفتاری شریکـم و محصولی که بتواند به بازار عرضه شود بواسطه نبودن راه
 و دوری آن نداشته و هر ساله مبلغی ضرر میبرد و اگر بتوان در اردبیل
 یا میانه یا خلخال کار خانه قند ایجاد کرد وضع خلخال مسلماً با استعدادی که
 دارد بهبود بخشیده صد هزار نفر مردمان مستمند و کشاورزان لایق از وضع فلاکت
 بار فعلی خلاصی پیدا میکنند

در اردبیل بواسطه وجود بذرگیری اداره نهال و بذر مخالفت میکنند که
 در آنجا کارخانه ایجاد شود در حالیکه اردبیل بهترین محل ایجاد کارخانه

است و تغییر محل بذرگیری به نقطه دیگر بدون اشکال خواهد بود زیرا .
 ۱- بارسیدگی و آزمایش انجام شده قندچغندر اردبیل و شهرستانهای مجاور از جمله خلخال آن تا صدی ۱۹ قند دارد که چنین محصولی در ایران کم نظیر است .
 ۲- سابقاً کارخانه قند مو جود در رضائیه را برای نصب در اردبیل خریداری نموده بودند که بهجهاتی نقل برضائیه و فعلاً هم از آن استفاده کامله نمی شود پس لزوم آن قبلاً پیش بینی شده است .

۳- با توجه بسوابق موجود در سازمان برنامه و محصولی که برای تهیه بذر کشت شده و اوضاع و احوال امر مسلم است که مجال اردبیل و خلخال و سراب و مشکین شهر استعداد ایجاد چهار کارخانه قند ۱۵۰۰ تنی را دارد که برای تهیه فقط دوهزار تن بذر را استفاده مانده است در حالیکه بذرگیری در تمام ایران امکان دارد و صحیح نیست محلی با این استعداد برای این مقدار جزئی بذراز استفاده مطلوبه زارعین جلوگیری و آنان را به بدبختی سوق دهیم .

۴- بنگاه تهیه بذر بیش از ۲۰۰ تن بذراحتیاج ندارد با امساك در اجازه کشت چهار هزار تن محصول در ۵۰۰ هکتار چغندرکاری بدست می آید که دولت در خرید آن دچار زحمت شده است .

۵- ارزش حاصل از چهار کارخانه که مورد استعداد اردبیل و شهرستانهای مجاور است در سال قریب ۱۸۰۰ ملیون ریال است و در حالیکه ارزش حاصل از دوهزار تن بذر چغندر بیش از یکصد ملیون ریال نیست و امکان تهیه آنها هم مسلم است مع الوصف یک هزار و هشتصد ملیون ریال ضرر مسلم را فدای یکصد ملیون ریال ضرر احتمالی دادن خلاف مصلحت است .

۶- در اردبیل و شهرستانهای مجاور با وجود آب و زمین و چاه و قنات و ورود خانه ها و وجود دریاچه ناغور که سدی هم بر آن زده خواهد شد و اقلاًسی هزار هکتار زمین دیم آبی میشود و هیچ صیفی قابل فروش وجود ندارد و ایجاد کارخانه قند موجب ترقی کشاورزی و مسلم است که اصلاح و بهبود وضع کشاورزان سرحدت خواهد شد .

۷- کارگران اردبیل و شهرستانهای مجاور بهترین و با قدرت ترین کارگران ایرانی بوده که از حیث استعداد در کار ضرب المثل میباشد و اکثر بیکار و با اجرت کم حاضر بکار میباشند که برای کارخانه یکی از موفقیتهای غیر قابل بحث میباشد .

۸- چون اردبیل سرحد است موضوع ترانسپورت و کرایه حمل کارخانه و ارزانی قیمت از جهت مزبوز نیز از موجهات صرفه کارخانه خواهد بود .

۹- غیر از شهرستان اردبیل در اطراف آن شهرستانهای بیشماری وجود

دارد که احتیاج بمصرف شکر و قند دارند و از محل های دور اینجا حمل میشود که از این حیث نیز صرفه جوئی بموردی خواهد شد .

۱۰ - قابل توجه است که در هیچ کجای ایران محلی نیست که برای کارخانه قند مواد اولیه آن قبلا کشت شده و حاضر باشد و بعلاوه جز خراسان محلی نیست که اهالی بطور کامل آشنائی به کشت چغندر و دفع آفت و وجود محل کافی داشته باشند و اردبیل این مزیت را دارد که ۷۰۰ هکتار زمین زیر کشت چغندر ر قند دارد .

۱۱ - در زمان سلطنت شاهنشاه فقید رضاشاه کبیر مطالعاتی راجع به کار - خانجات قند شده است که سابقه آن در سازمان برنامه موجود است و یکی از شش کارخانه قابل استفاده اردبیل تشخیص شده و چنین توضیح گردیده است (در اردبیل سی کیلو متری جنوب بین گرگان و بودالا لو که مقسم آب ارس و سفید رود است (مقصود همین محل دریاچه ناغوریا نا و وراست که سدی بر آن زده خواهد شد و خود استعداد یک کارخانه مستقل دارد) حوزه اردبیل شمال تا مشکین در شرق زمین و غره در طرف جنوب تا خود هرو و خلخال در غرب سراب) در حالیکه این نظریه بعد از سی سال و ایجاد محل تهیه بذر چغندر تعمیم پیدا کرده که استعداد چهار کارخانه پیدا کرده است .

اخیراً شنیده شده شهر ستان میانه برای ایجاد کارخانه قند مناسب تشخیص گردیده و شرکتی هم جواز ایجاد آنرا از وزارت اقتصاد ملی اخذ کرده است در این صورت رفع اشکال از خلخال خواهد نمود و از این راه کمک قابل توجهی به خلخال خواهد شد و این در صورتی است که واقعا کارخانه ایجاد گردد زیرا اهالی این سامان خود استطاعت ایجاد کارخانه قند و پرداخت سرمایه و همچنین اداره آن را ندارند و زمان به بطاقت میگذرد و مردم با سختی دست بگریبان هستند .

از محسنات کارخانه قند این است که اولاً از کشت چغندر بهره کافی برده میشود و کشاورزان مرفه می شوند و ثانیاً از حیث وجین و تنک کردن و آبیاری و مواظبت کارگر بیشتری بکار میرود و در خود کارخانه عده ای مشغول می شود و مردمی که کار ندارند از این جهت دارای کار خواهند شد و ثالثاً سرمایه گذاری در قسمت کشاورزی و ایجاد قنوات و چاه و سد و آب بوسیله سرمایه های خصوصی بکار می افتد چنانچه در حال حاضر کشاورز خراسانی آن سختی را که کشاورزان آذربایجان شرقی دارند نداشته و هم چنین کشاورزان آذربایجان غربی وضعی بهتر از کشاورزان آذربایجان شرقی دارند و باین وسیله کمک به سرمایه گزاری در راه کشاورزی خواهد شد.

دیگر موضوع تشویق اشخاص بدرخت کاری و ایجاد باغ میوه و جلو گیری از آفت آن است که باز هم بواسطه دوری و نبودن راه مواصلاتی مستعدترین محل تهیه میوه بلا استفاده قرار گرفته است .

خلخال از حیث استعداد تهیه درخت و میوه در واقع کالیفرنای ایران است و از مراغه و سایر شهرستانهای آذربایجان بیشتر استعداد دارد چون رطوبتی که در آن وجود دارد نه آن چندان است که مانع رشد بوده و هم آن میزان است که همیشه درخت شاداب و پر باره میشود مخصوصاً در درخت های تهریزی که دیده شده درخت ۵ ساله قطری پیدا کرده که درخت های ده ساله در کرج و اطراف آن با شرائط مساوی به آن نمیرسند . -

* *

در موقعیکه مشغول تحریر این تاریخچه بودم از آقایان صدر مهدوی و سید حمدالله ذکائی و یک و دو نفر دیگر از مطلعین خلخال خواستم که اطلاعاتی راجع به خلخال در دست رس نگارنده بگذارند و پیش نویس قسمتی از تحریرات خود را نیز برای آنان فرستادم که فقط همان دو نفر آقایان صدر مهدوی و سید حمدالله ذکائی بجواب نامه ام مبادرت نمودند آقای صدر مهدوی یادداشت هایی فرستاده بودند که در تصحیح بعضی قسمت ها مورد استفاده قرار گرفت ولی آقای ذکائی شرح مسبوطی نوشت و در بعضی قسمت ها تاریخچه ای کامل تر از آنچه نگارنده تحریر نموده بنظر رسید این بود که عین نوشته ایشان را بر تحریرات خود اضافه نمود که ذیلا مبادرت بآن میشود.

خلخال

خلخال که یکی از شهرستانهای حاصلخیز استان آذربایجان شرقی است بواسطه استعداد طبیعی برای انواع محصولات گرمسیری و سردسیری مستعد است بخصوص از حیث دارا بودن مراتع بیشمار و بیلاقات و قشلاقات متعدد برای پرورش اغنام و احشام بسیار مستعد میباشد. از طرف شرق و شمال شرقی متصل است به استان گیلان و طوالش از طرف شمال به شهرستان اردبیل از طرف غرب به گرم رود و شهرستان میانه از طرف جنوب به خاک خمسه و شهرستان زنجان و طارم سفلی - طول این شهرستان از شمال تا جنوب شرقی ۱۲۰ کیلومتر و عرض آن در قسمت های عریض ۹۰ کیلو متر است شهرستان خلخال یک منطقه کوهستانی و در بعضی نقاط دره های قابل کشت در کنار و سواحل رودخانه ها به علاوه دارای نقاط گرمسیر و سرد

سیر می باشد فعلاً دارای یکصد و پنجاه هزار نفوس است. (۱)

شهرستان خلخال دارای پنج بخش می باشد :

- ۱- خاندنپیل دارای ۳۸ آبادی ۳۲ هزار نفر بطور کلی سردسیر- شهر کوچک ورواباد مرکز ادارات دولتی نیز در این بخش واقع است
- ۲- سنجد- دارای ۱۲۰ آبادی و ۳۶ هزار نفوس دارای نقاط سردسیری و گرمسیری بوده و مرکز این بخش قصبه کیوی می باشد .
- ۳- بخش خورش رستم دارای ۶۵ آبادی و ۲۰ هزار نفوس دارای هوای معتدل فقط سواحل رودخانه قزل اوزن گرمسیر و مرکز آن قصبه هاشجین می باشد .
- ۴- بخش شاهرود - دارای ۳۰ هزار نفر نفوس و ۳۰ آبادی دارای هوای معتدل فقط مجاور و نزدیک های طارم گرمسیر است و مرکز آن قصبه کلور می باشد.
- ۵- بخش کاغذکنان - دارای ۱۱۰ آبادی و ۳۲ هزار نفوس سواحل رود قزل اوزن گرمسیر و بقیه هوای معتدلی دارد مرکز آن آق کند و قسمتی هم از ادارات درقره بلاغ هستند

مختصری از تاریخچه اخیر خلخال

مختصری از سوابق تاریخی خلخال که آقای عیسی بهزادی اقتباس از تالیف آقای محمد محقق خلخالی درین جزوه درج کرده اند- نگا رنده هم اطلاعات خود را مختصراً اضافه می نماید ،

- در اواخر استیلای مغول این شهرستان تحت استیلای ایل سعدلو که محل اقامت اصلی آنان در بخش کاغذکنان بوده است درآمده و

(۱) توضیح اینکه در سال ۱۳۳۵ که سرشماری عمومی شد نفوس خلخال در حدود یکصد هزار تعیین کرده اند و علت این بود چون معمولاً قسمتی از زارعین و کسبه و کارگران خلخال وقتی از امور زراعتی فارغ می شوند غالباً با کوچ بنه برای کسب و کار به گیلانات وعده بی هم به تهران مهاجرت می کنند از اوایل فروردین تا اواخر اردی بهشت مجدداً به خلخال مراجعت نموده و کسب کار خود را در محل ادامه میدهند پس در این موقع سرشماری که اواسط پائیز انجام گرفت قریب ثلث نفوس خلخال طبق معمول هر سال به گیلان و تهران مسافرت کرده به این جهت سرشماری این شهرستان بدرستی انجام نیافت .

تا اوایل سلطنت فتحعلیشاه قاجار مالک بالا استقلال کلیه شهرستان خلخال بوده‌اند اهمیت خوانین ایل سعدلو باندازه ای بوده است که آغا محمد خان سرسلسه قاجار زمانیکه تبریز مرکز آذربایجان را فتح میکند خوانین سعدلو چون قدرت آقا محمد خان را می‌بینند از طرف خودشان نماینده‌ای نزد آقا محمد خان می‌فرستند و قتیکه خبر رسیدن نماینده مزبور را دایر بانقیاد و تسلیم آن‌ها می‌دهند آقا محمد خان خیلی مشغوف شده و میگوید حالا کلید آذربایجان را بدست آوردم ،

بعد از تشکیل سلطنت قاجاریه خوانین سعدلورو بضغف گذاشتند و اکثر دهات خلخال از دست آنها خارج میشود هر و آباد مرکز کنونی شهرستان خلخال که آنوقت يك قصبه کوچکی بوده چند نفر از علما و متنفذین از جمله آقاسید جواد خلخالی در آنجا ساکن و نفوذی در خلخال پیدا میکنند در اوایل سلطنت فتحعلیشاه قاجار بتهران رفته و تقاضا میکنند حالا که سعدلوها رو بضغف گذاشته اند حاکمی برای خلخال تعیین و اعزام شود تقاضای آنان قبول گردیده و حاکمی بامعیت نمایندگان و علمای مزبور بهر و آباد می‌فرستند از آنوقت هر و آباد مرکز شهرستان خلخال میشود و هر و آباد هم که تحت مالکیت سعدلوها بود تجار و اهالی آنجا جمعاً هفتصد تومان (با پول آنروز) از خوانین سعدلو خریداری و بین خود تقسیم می‌نمایند تا در زمان ولیعهدی محمد علی میرزا در آذربایجان چند نفر از خوانین ایل شاطرانلو نفوذی پیدا کرده و بعد از سلطنت او که رشته امنیت در مملکت بهم خورده و در اغلب نقاط کشور ملوک الطوائفی رواج پیدا میکند خوانین شاطرانلو هم از هرج و مرج استفاده کرده بیست سال تمام (تا ۱۳۰۲ شمسی) قلم و قدم دولت را از خلخال کوتاه و مشغول تاخت و تاز و غارت شدند تا در سال ۱۳۰۲ شمسی تحت توجهات اعلیحضرت فقید که امنیت در کشور برقرار گردید خوانین شاطرانلو پس از يك سلسله جنگ و زرد و خورد با قوای دولتی قلع و قمع گردیده در این نقطه هم نفوذ دولت پایدار و امنیت کامل برقرار میشود تا در جنگ بین المللی دوم بعد از شهریور ۱۳۲۰ در نتیجه اشغال قوای اجانب باز در اینجا رشته امنیت بهم خورده محمد تقی خان شاطرانلو با جمع آوردی اسلحه علیه دولت قیام مسلحانه نموده و مشغول قتل و غارت گردید و سپس با هشتصد نفر سوار و پیاده به هر و آباد مرکز خلخال هجوم آورد و بعد از چند روز محاصره این شهر که عده‌ای قلیلی ژاندارم با نداشتن فشنگ و مهارت کافی از آن دفاع میکردند پس از جنگ مختصری و دادن چند نفر تلفات از قوای مهاجم شکست خوردند و بدین ترتیب محمد تقی خان به هر و آباد نیز مستولی گشت .

تا پس از چند ماه آقای سرگرد علائی فرمانده ژاندارمری گیلان با عده‌ای ژاندارم بکمک قوای چریک از اهالی بخش شاهرود و خلخال و طارم مامور سرکوبی محمدتقی خان میشود و پس از چند روز مذاکره محمدتقی خان از تسلیم خودداری و بمقابله پرداخت و در اولین جنگ محمدتقی خان کشته میشود و بعداً دوسه ماهی دولت وقت با باقیمانده کان خوانین شاطرانلو از روی مسالمت رفتار نمود تا آقای سرهنگ جان پولاد با مهمات کافی و قزای ارتش مامور امنیت خلخال گردیده و در اواسط سال ۱۳۲۱ امنیت را در خلخال برقرار و اسلحه اشرار را جمع‌آوری و با تشکیل کمسیون بریاست آقای فروغ دادستان دادگستری اردبیل قسمتی از اموال، منصوبه را از کسان محمدتقی خان گرفته بصاحبانش مسترد مینماید.

خلخال از نظر کشاورزی

خلخال بواسطه موقعیت طبیعی استعداد انواع محصولات گرمسیری و سرد سیری را دارم می باشد ازاضی مزروعی و قابل کشت آن فعلا در حدود یکصد هزار هکتار میباشد که تقریباً پانزده هزار هکتار آن آبی و هشتاد و پنج هزار دیمی می باشد ولی متأسفانه بواسطه عدم بضاعت زارعین و مالکین هیچگونه توجهی در آبادی زمین و کشت و کار بعمل نیامده است و غیر از غلات و کمی حبوبات و کمی برنج نامرغوب در نقاط گرمسیر چیز دیگری نمیکارند در مواقع عادی و بدون آفت کایه محصول آنجا بیشتر از سی هزار تن غله نمیشود در صورتیکه اگر مراقبت کامل در آبادی زمین و مساعدت زارعین و خورده مالکین بشود حداقل هفتاد هزار تن غله ممکن است بدست آید چون اغلب زمینهای خلخال اعم از آبی و دیمی برای زراعت انواع حبوبات مستعد است چنانچه بذر کافی برای حبوبات تهیه و تشویقی برای کشت آن بعمل آید چهارده هزار تن علاوه از محصول غله حبوبات بدست خواهد آمد همچنین بعضی از نقاط خلخال از قبیل قسمتی از سواحل رود قزل اوزن و قسمتی از بخشهای سنجید و خورش رستم و شاهرود از نظر استعداد آب و هوا برای پنبه کاری و چغندر قند مساعد است و همه ساله میتوان محصول کافی از آن بدست آورد بطوریکه چند سال قبل آقای عیسی بهزادی ساکن تهران علاقهای در بخش سنجید خلخال از قبیل ده فیروز آباد و دهات مجاور آن تهیه نمود و با صرف هزینه‌های کراف و زحمات زیاد مقدار زیادی از اراضی املاک مزبور را مکانیزه و آباد نموده و با حفر قنوات متعدد و تهیه آب مشغول

زراعت و درختکاری و احداث باغات میوه و چغندرکاری و توتون کاری را در این حدود معمول نموده بطوریکه فیروزآباد که يك ده خرابه و کثیفی بود فعلاً با احداث ساختمانهای جدید و درختکاری مفصل در اطراف آن و ایجاد برق در داخل ده تبدیل به يك قصبه آبرومند و مصفائی شده است که حقیقتاً زحمات ایشان برای همه مالکین و زارعین خلخال سرمشق بزرگی است و با بکار بستن همین روش در سایه جدیت و زحمت در سایر دهات خلخال نیز میتوان نتایج بزرگی بدست آورد.

تهیه آب در خلخال

بطوریکه قبلاً توضیح داده شد از صدهزار هکتار زمینهای مزرعوی فعلی در حدود پانزده هزار هکتار آبی و هشتاد و پنج هزار هکتار دیمی است در صورتیکه دامنههای کوههای بین خلخال و گیلان در بخش خاند بیل و شاهرود و سنجد و هم-چنین اطراف کوه آق داغ در بخش خورش رستم و کوههای باجلار در سنجد پر-از آبهای زیر زمینی است. و ممکن است با ایجاد قنوات متعدد و بستن سدهای کوچک در نقاط مناسب و با نصب تلمبههای موتوری و دستی در سواحل قزل اوزن حداقل بیست هزار هکتار از دیمی دایر و بایر را هم آبی کرد و فواید بسیاری بدست آورد و به زمینهای آبی اضافه نمود در تاریخ ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ شمسی مهندسین متعددی برای تهیه آب از طرف سازمان برنامه بخلخال اعزام گردیدند و در نتیجه مطالعاتی بعمل آمد عقیده دادند آبهای قسمتی از خلخال منجمله هروآباد مرکز خلخال برای حفر چاه عمیق درین مناطق زیاد فایده نخواهد داد ولی با وجود قنوات متعدد آبهای فراوانی می شود تهیه کرد و به این منظور هم در اوایل سال ۱۳۳۲ ۲۴۰۰۰۰ ریال برای تهیه آب هروآباد اعتبار داده شد و آقای دکتر حسنعلی زاده که از زمین شناسهای معروف سازمان برنامه میباشد به محل آمده پس از چند روز مطالعه نقشه احداث سه رشته قنات هم تنظیم نمودند و اطمینان دادند که این سه رشته قنات حداقل دارای ۱۲ سنگ آب خواهد بود و تمام اراضی و باغات هروآباد هم بطور کامل مشروب خواهد گردید ولی بعد از نتیجه اختلافات محلی این اقدام بجائی نرسید بطوریکه آقای عیسی بهزادی که چندین رشته قنات در املاک مزرعوی و مکار نیزه خود احداث نموده صحت این موضوع و فراوانی آبهای سطح الارضی را ثابت می-نماید که در اکثر نقاط خلخال با ایجاد قنوات آبهای فراوانی می شود تهیه کرد در سال ۱۳۳۰ آقای مهندس بهپو که یکی از مهندسین اعضای سازمان

برنامه برای تهیه آب بود پس از چندی اقامت در خلخال نقشه يك سدی را در چهار کیلومتری هروآباد در دره کوه از باهازینه کمی تنظیم نمودند بواسطه نزدیکی دهنه‌های این سد دریاچه‌ای را بین دهات مجره و خوجین تشکیل میداد که قسمت مهمی از اراضی خانند بیل و سنجید را هم مشروب می‌کرد و برای برق هم در قسمتی از دهات خلخال و خود هروآباد و در شهرستان‌های مجاور ممکن بود استفاده کامل بشود ولی بر این گزارش ترتیب اثری تا کنون داده نشده است.

درخت کاری

خلخال بواسطه موقعیت طبیعی مستعد غرس انواع اشجار مثمره و غیر مثمره می‌باشد. مخصوصاً میوه‌های گلابی - زردآلو - آلو - گیلاس - گردو - بادام در نقاط سردسیر و معتدل .

و میوه‌های انگور و انجیر به در نقاط گرمسیر بخوبی بعمل می‌آید خصوصاً مرغوبیت سیب و گلابی خلخال شاید در کمتر نقطه‌ای وجود داشته باشد. تا تاریخ ۱۳۰۰ شمسی درخت کاری و باغات میوه در خلخال بسیار کم بود و بواسطه مجاورت جنگل‌های گیلان و جنگل بخش خورش رستم (که در نتیجه عدم مواظبت در شرف از بین رفتن است) زارعین و ساکنین قسمتی از اهالی خلخال احتیاجات خود را از جنگل تأمین می‌کردند تا در دوره بیست ساله اعلیحضرت فقید مردم از امنیت و آسایش برخوردار شدند و در نتیجه تشویق چند نفر از روشن فکران از قبیل مرحوم ناصرروائی و معین صباحی و آقای صدر مهدوی که شخصاً در زمین‌های خودشان مشغول احداث باغات و درخت کاری شدند سایرین هم تبعیت کردند در بعضی از نقاط بخصوص در بخش‌های خانند بیل - سنجید - شاهرود اشجار مثمره کاشته و باغات میوه احداث نمودند .

در سالهای اخیر هم که آقای عیسی بهزادی مشغول فلاحت شده اند درخت کاری زیادی در املاک خود با اصول علمی نموده و باغات میوه متعددی تاسیس نموده اند که البته در آئینه منافع و نتایج خوبی خواهد داشت. حال اگر تشویق و توجهی از طرف وزارت کشاورزی و کمکی از طرف بانک اعتبارات کشاورزی بشود صدها خروار خشکبار از قبیل بادام - گردو - زردآلو - و آلو بطرز کالیمرفنی خشک و بسته بندی گردد از این شهرستان صادر خواهد شد.

بعقیده نگارنده برای عملی کردن این منظور از طرف وزارت کشاورزی چند نقطه از بخش‌های خلخال خزینه‌های نهال اشجار باهزینه دولت ایجاد گردد

و همه ساله مقداری از دانه‌های تخم از قبیل بادام - گردو و قیسی‌آلو کاشته و آنها را پیوند نمود و مجاناً به کشاورزان داوطلب داده شود با استقبال شایانی که از طرف کشاورزان خواهد شد در اندک زمانی شهرستان خلخال پر از اشجار مثمره خواهد گردید.

پرورش دام

شهرستان خلخال بواسطه مراتع متعدد و بیلاقیات و قشلاقاتی که دارد برای دام پروری بسیار مستعد است فعلاً قریب دو بیست هزار گوسفند و بز و بیست هزار گاو و گاو میش در این شهرستان موجود و مقدار کافی روغن و مقدار کثیری پشم محصول دام خلخال می باشد ولی در نتیجه عدم آشنائی دام داران با اصول جدید دام پروری و نبودن وسایل مواظبت جنس دام روز بروز ضعیف تر و بواسطه امراض مسری هر سال تلفات کثیری وارد می شود ،

برای تشکیل دام و اصلاح نژاد آن در درجه اول باید در هر يك از بخش‌ها يك اداره دام پزشکی مجهز با کارمندان کافی و با اطلاع تشکیل شود که از امراض ساریه جلوگیری و ضمناً کنفرانس‌هایی بین دام داران تشکیل داده و آنها را برای پرورش دام با اصول جدید آشنا نمایند تا بدین وسیله از اتلاف دام جلوگیری و ضمناً برای اصلاح نژاد دام در هر بخشی چندراس از قوچ‌های نژاد خوب از قبیل مرینوس و غیره از طرف اداره کل دام پروری به اختیار دام داران بگذارند تا بدین وسیله متدرجاً نژاد دام اصلاح شود .

پرورش زنبور عسل

اکثر نقاط بیلاقی و معتدل خلخال برای پرورش زنبور عسل مساعد است چون غالباً با اصول قدیم عمل می شود نتیجه مطلوب حاصل نمی گردد اگر چند نفر متخصص با مقداری ماشین شان در اختیار زنبور داران گذاشته و آنها را با اصول جدید زنبور داری آشنا نمایند نتایج مهمی حاصل خواهد شد

نوغان داری

تا شصت سال قبل نوغان داری در خلخال معمول بود فعلاً بکلی متروک شده و از طرف دولت هم توجهی در این خصوص نشده در صورتیکه اغلب نقاط

خلخال برای توت کاری و بدست آوردن محصول ابریشم بسیار مناسب است اگر تشویقی از طرف دولت بعمل آید و مساعدتی بشود سالی مقدار قابل توجهی ابریشم بدست خواهد آمد .

صنایع دستی

صنایع دستی خلخال از قبیل تهیه شال و جاجیم های ابریشمی و پشمی و گلیم بافی معروف بوده متأسفانه بعد از متروک شدن نوغان داری بافت جاجیم های ابریشمی نیز متروک شد و حالا در هر کجا از آن جاجیم های خلخال پیدا شود جزء اشیاء عتیقه باید محسوب نمود و همچنین شال پشمی خلخال که قسمت عمده آن در بخش شاهرود تهیه می شود از صادرات مهم خلخال بود آنهم فعلاً تقلیل یافته و شال مرغوب که سابقاً تهیه می شد کمتر پیدا می شود .

در سال ۱۳۱۵ با همت آقای خداقلی وزیرزاده مرحوم که از روشن فکران محل بود کارخانه ئی برای شال بافی در هر و آباد تاسیس و شال های خیلی مرغوب و لطیف از محصول آن کارخانه بدست آمد ولی بعداً بواسطه عدم تکافوی سرمایه تعطیل گردید .

راه سازی و مختصری از تاریخچه راه خلخال

بعد از سال ۱۳۰۰ شمسی که در اثر توجهات اعلیحضرت فقید امنیت در سراسر کشور برقرار گردید در سال ۱۳۰۳ شمسی مرحوم سرلشکر طهماسبی که سمت فرماندهی لشکر آذربایجان را داشت برنامه ئی برای تسطیح و اصلاح راه های آذربایجان تنظیم نمود که به کمک های محلی در تسطیح و اصلاح نواقص راه های این استان اقدام شود .

چون در آن موقع خلخال تازه از دست اشرا را خلاص شده بود و مرکز تیپ قوای آرتش هم در اردبیل بود اولین راهی که در اجرای این برنامه شروع گردید راه بین اردبیل و خلخال بود که با ماموریت مرحوم سرلشکر امین که آنوقت درجه سرهنگ دوم را داشت و با کمک عمله و اعانه ملی از شهر هر و آباد تا ده خلفلو که حدود اردبیل است تقریباً هشتاد کیلو متر تسطیح شد و چون آنوقت مهندسین آزموده راه سازی در کشور کم بود یک نفر کمک مهندس بنام دینجوف که برای نقشه برداری و تسطیح این راه فرستاده بودند که بواسطه نداشتن اطلاعات مسیر این راه را از طریق کوهستانی و برف گیر قرار داده و عبور وسائل

نقلیه به اشکال انجام می گرفت و این راه برای اقتصاد خلخال هیچگونه فائده نداشت از طرفی هم تسطیح راه خلخال و گیلان از مدتها پیش مطرح نظر علاقه مندان بود که با دایر شدن این راه خلخال در مسیر دواستان مهم آذربایجان و گیلان واقع گردد و از بن بست فعلی خارج شود و خود بخود وضعیت این شهرستان اصلاح و موقعیت خوبی پیدامی کرد لذا از سال ۱۳۰۴ تقاضاهای متعدد تلگرافی و کتبی از دولت وقت بعمل آمد و محسنات این راه تذکر داده شد که اولاً با تسطیح آن تبریز و رشت مراکز دو استان مهم از کوتاه ترین طریق بعم اتصال می یابد و ثانیاً محصولات گیلان مورد احتیاج آذربایجان و محصولات آذربایجان بالعکس مورد احتیاج گیلان بوده و در توسعه اقتصاد این دو استان کمک بزرگی و همچنین از طرف اهالی گیلان تقاضاهای مکرری از دولت وقت بعمل آمد و حتی اهالی خلخال حاضر شدند این راه را تا حدود گیلان با کمک خودشان تسطیح نمایند بشرطیکه از اول خاک گیلان تا رشت با کمک اهالی گیلان و با هزینه دولت تسطیح شود از طرف دولت و وزارت فواید عامه پاسخ های مساعدی داده می شد که در موقع مقتضی اقدام خواهد شد (توضیح اینکه در آن موقع اداره کل راه جزء وزارت فواید عامه بود) تا در آبان ۱۳۰۸ اهالی خلخال و همچنین از طرف قسمتی از اهالی بندر پهلوی و تجار رشت که در سر راه بودند تقاضا دایی راجع به تسطیح این راه نوشته و چندین فقره ملاقات با مرحوم مخبر السلطنه هدایت که در آن موقع رئیس دولت وقت بود و وزارت فواید عامه و یک سلسله اقدامات بالاخره در اوایل سال ۱۳۰۹ برای مقدمات تسطیح این راه پانصد هزار ریال اعتبار تعیین و به آقای مهندس شقاقی با اتفاق یک نفر مهندس آلمانی ماموریت داده شد که وضعیت راه بین گیلان و خلخال را مطالعه و گزارش به اداره کل راه بدهد.

مهندسین نامبرده مخصوصاً با علاقه کاملی که در مهندس شقاقی مشهود بود پس از چندین روز چند راه مال رو بین خلخال و گیلان و همچنین از طرف ماسوله تا کرگانرود را بازدید و مطالعه و طی طریق نمودند تا در نتیجه گزارشی به اداره کل راه میدهند که چون راه های متعددی بین گیلان و خلخال موجود است ناچار باید یک عده مهندس نقشه بردار از طرف اداره کل راه اعزام شود تا پس از نقشه برداری هر یک این راه ها که مقرون بصلاح باشد در تسطیح آن اقدام شود،

در اوایل سال ۱۳۱۲ حسب الامر اعلیحضرت شاه فقید از طرف وزارت راه تصمیم گرفته شد که گیلان و سواحل بحر خزر را به آذربایجان و سرحدات غربی بآنز دیکترین خطوط متصل نمایند بنا بر این روی گزارش آقای مهندس شقاقی هیئت چهار نفری از مهندسین وزارت راه از جمله مرحوم مهندس بهجت رئیس راه

گیلان و مهندس سائری و دو نفر دیگر که اسامی آنان را فراموش کرده ام ماموریت یافتند که راه های بین گیلان و خلخال را بازدید و مطالعه نموده گزارش جامعی بدهند ولی راجع به تعیین مسیر راه اختلاف نظری بین مهندسین مزبور روی داد آقای علی منصور که در آن موقع سمت وزارت راه را داشتند خودشان به رشت آمده بالاخره راه ماسوله را تصویب نمودند بلافاصله شروع بکار گردید (توضیح اینکه قسمتی از این راه تا شش کیلومتری ماسوله در دوره جنگلی ها تسطیح شده بود) خلاصه در مدت دو سال با هزینه یک میلیون و سیست هزار ریال از شش کیلومتری ماسوله خاک گیلان تا کدوک ماجلان اول خاک خلخال تسطیح نمودند در این موقع بواسطه اتهامی که به مقامه کاران وارد نموده بودند مقامه کاران به تهران احضار و ادامه تسطیح راه گیلان تعطیل گردید و از طرف میانه چون تسطیح راه بین میانه و خلخال شروع شده بود تقریباً در حدود چهل کیلومتر تا کدوک یله قارشوی خلخال تسطیح گردید در فیروزآباد خلخال هم پل مهمی احداث کردند و همین راه نیز متروک گردید تا در سال ۱۳۲۳ که نظر نمایندگان آذربایجان و گیلان به فواید اقتصادی این راه معطوف گردید و پس از یک سلسله اقدامات و جلب نظر وزارت راه بر اهمیت این راه در خرداد ماه ۱۳۲۴ باز چند نفر از مهندسین وزارت راه باریاست آقای مهندس ابراهیمی به محل اعزام از ادامه راه ماسوله صرف نظر نموده از اسالم طوالش گیلان که نزدیک ترین راه بین خلخال و گیلان بود شروع به نقشه برداری نموده و پس از اتمام نقشه برداری که مدت چهار پنج ماه طول کشید موقعی که میخواستند تسطیح راه را شروع نمایند بواسطه پیش آمد آذربایجان و اختلالی که در اوضاع کشور پیش آمده بود متروک مانده تا اینکه در سال ۱۳۲۹ در نتیجه توجهات اعلیحضرت همایونی تسطیح باقی مانده راه بین میانه و خلخال شروع و از طرف اسالم گیلان هم در حدود بیست کیلومتر با هزینه سه میلیون ریال تسطیح گردید و متأسفانه باز ادامه تسطیح این راه متروک ماند.

در سال ۱۳۳۱ در دوره هفدهم در کمیسیون برنامه موقع تدوین برنامه راه سازی ۷۰ میلیون ریال برای تسطیح راه گیلان و خلخال و پنججاه میلیون ریال برای تغییر مسیر راه میانه از هر و آباد تا فیروزآباد اعتبار منظور با احتیاج بازگشت گیلان و خلخال عملی نگردید و تغییر مسیر راه میانه هم بین هر و آباد تا فیروزآباد که اوایل مرداد ماه سال ۱۳۳۲ شروع گردیده بود با نواقصی باقی مانده و هنوز هم کامل نشده اخیراً هم که نقشه برداری راه گیلان از میانه تا رشت به مهندسین مشاور شرکت انکور جوع شده بود و تفصیل تعیین مسیر آن را

که آقای عیسی بهزادی تفسیلاً در تاریخچه خودشان ذکر کرده اند ،
 با اینهمه تفصیل و سوابق طولانی تسطیح این راه مهم در مدت قریب
 چهل سال که تاریخچه آن اجمالاً ذکر شد و در توسعه اقتصادی و آبادی و روابط
 بازرگانی نقاط مهم کشور اهمیت فراوانی دارد با تمام نرسیده حال بسته به توجه
 اولیاء امور است که بعد از اینهمه زحمات بلکه انجام این موضوع حیاتی بصورت
 عمل درآید ۲۵ آبانماه ۱۳۴۳ تهران سید حمدالله ذکائی .

متأسفانه در موقعیکه به تصحیح طبع این اوراق مبادرت می شود آقای ذکائی بیمار
 و بستری هستند امید است خداوند متعال بزودی عافیت عنایت فرماید و اصلاحاتی
 را هم که ذکر نموده اند عملی گردد و شخصاً ملاحظه نمایند .

* * *

این تاریخچه را که در اواسط سال شروع نمودم بواسطه مشغله زیاد انجام آن بتأخیر
 افتاد و اخیراً با کمک های ذیقیمت آقای عباس واقفی که در جریان طبع آن مساعدت
 فرمودند اتمام پذیرفت .

کنج می گویند و درویرانه می جویند خلق
 هر کجا گنجی است ای نا آشنا ویرانه نیست

عیسی بهزادی

